

خوانش سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۹

حمیدرضا صارمی^۱

آیلین شیدایی^۲

چکیده

احیای تمدن اسلامی و الگوی توسعه ایرانی-اسلامی نیاز به مبانی فلسفی و دانش بومی دارد. بر همین اساس، بازخوانی مفاهیم امروزیین توسعه، که عمدتاً ریشه در مطالعات غربی دارند، در اندیشه حاکم بر شهر اسلامی ضروری می‌نماید. هدف اصلی پژوهش جستجوی مفهوم «سرمایه اجتماعی» است که یکی از عوامل توسعه انسان‌محور در اندیشه‌های ملاصدرا تلقی می‌شود و نقطه عطف پیوند فلسفه، عرفان و کلام اسلامی است. در این مقاله با استفاده از روش هرمنوتیک سنتی، که مبتنی بر مؤلف‌محوری و متن‌محوری است، تلاش شده در سه گام به خوانش سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی دست یابیم. در گام نخست، با تفسیر آثار و اندیشه‌های مکتوب صدرالمآلهین ابتدا با تبدیل متن به جهان زیسته، آثار اجتماعی نظریه‌های ملاصدرا استخراج می‌شود. در گام دوم، با کشف افق متن، تفسیر و متن در هم می‌آمیزند و تلاش می‌شود تا مفاهیم فلسفی در سطح نظری به مفاهیم اجتماعی نزدیک شود. در گام سوم، باید گفت سرمایه اجتماعی در نظر ملاصدرا منطبق بر فضایل اخلاقی در چارچوب قوانین الهی است که در روابط جمعی بروز می‌یابد و از این ره با مؤلفه‌های «سرمایه اجتماعی دینی» قرابت دارد. با تناظر مؤلفه‌های نظری سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های مستخرج از اندیشه‌های ملاصدرا در می‌یابیم که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دینی هرچند تکیه بر فضایل اخلاقی و فردی دارند، لیکن نتیجه‌ای که در روابط بین فردی برجای می‌گذارند، متناظر با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در مبانی نظری غربی است.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، حکمت صدرایی، سرمایه اجتماعی، تمدن اسلامی، شهر اسلامی.

۱. دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس saremi@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس ailin.sheydayi@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مثلت زندگی بشر را دین، فرهنگ و تمدن می‌سازد. به‌طوری که فرهنگ و تمدنی را در نزد هیچ قومی نمی‌توان یافت مگر آنکه شکلی از مذهب در آن وجود داشته باشد (حجازی، ۱۳۵۰: ۸۵). فرهنگ و تمدن اسلامی مجموعه باورها و ارزش‌های اسلامی است که در پیشرفت علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی، در بین ملل و مردمی که اسلام را به‌عنوان دین خود پذیرفتند، نمود می‌یابد. تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا (ص) آغاز شد و توسط مسلمانان با اتکا بر آموزه‌های قرآن و رسول خدا تا قرن پنجم هجری به اوج خود رسید. تا اینکه پس از یک دوره افول متأثر از حملات صلیبیان، مغولان و مشکلات داخلی جهان اسلام؛ مجدداً در قرن ۱۰ هجری قمری در عهد صفویان رونق یافت.

تمدن اسلامی در ابتدا با توجه به زمینه و بستر فرهنگی اعراب در خصوص علوم عقلی توسعه یافت و تفکر فلسفی جز در میان ائمه اطهار رواج نداشت، تا اینکه در اوایل قرن چهارم هجری، فلسفه را «ابو نصر فارابی» احیا کرد و در اوایل قرن پنجم، در اثر مساعی فیلسوف معروف «ابو علی سینا» توسعه کامل یافت و در قرن ششم نیز فلسفه اشراق را «شیخ سهروردی» تنقیح نمود، در قرن هفتم در اندلس، ابن‌رشد اندلسی در بسط فلسفه کوشید که در پیشرفت تفکر و اشاعه فلسفه شیعه جایگاه و نقشی خاص دارد. با رفتن ابن‌رشد، فلسفه از میان اکثریت تسنن رفت، اما در میان شیعه همچنان مسیر رشد خود را ادامه داد. کسی که به‌ویژه در این بخش باید مورد توجه بسیار قرار گیرد خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ هـ.ق) است که در شرایط بسیار سخت اجتماعی و سیاسی ایران، یعنی هم‌زمان با حمله مغولان، ظهور کرد (طباطبایی، ۱۳۸۶).

پس از طوسی، در قرون بعد، به‌واسطه غلبه مغول آثار تمدن و علوم اسلامی ضعیف شد تا اینکه در عصر صفویه در اوایل سده یازدهم، صدر المتألهین شیرازی ظهور کرد و با ترکیب فلسفه اشراق و مثناء طریقتی جدید در ترکیب عرفان، فلسفه و کلام بنا نهاد که تا امروز رایج‌ترین طریقه فلسفی در ایران بوده است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۲).

بدین ترتیب، فلسفه ملاصدرا به عنوان جریان فکری غالب در شهر ایرانی_اسلامی از سده یازدهم تا به امروز، مبنای مناسبی را برای مطالعه و بررسی هنجارهای حاکم بر شهر ایرانی_اسلامی به دست می دهد. حال نکته در خور توجه این است که آیا می توان ریشه های مفهومی مانند «سرمایه اجتماعی»^۱ را که از اندیشه های جامعه شناسان کلاسیک غربی آغاز شده، طی سال ها بسط یافته و عامل موفقیت بسیاری از طرح های توسعه و حرکت جوامع غربی به سمت پایداری بوده در مفاهیم شهر و تمدن اسلامی جستجو کرد. از آنجاکه مراد از شهر اسلامی اندیشه اسلامی حاکم بر شهر است، آراء و اندیشه های صدرای شیرازی به عنوان نقطه عطف پیوند فلسفه، عرفان و کلام اسلامی شرایط مناسبی را برای این پژوهش فراهم می آورد.

نگاه ملاصدرا به جامعه و ضرورت وجود جامعه، زمینه مناسبی را برای مطالعه دقیق تر اندیشه های اجتماعی و سیاسی وی فراهم می کند. تا از این ره بتوان با بررسی کاربست اجتماعی و سیاسی نظریه های ملاصدرا در مورد اصالت وجود، عقلانیت، حرکت جوهری، قانون و سیاست، بابتی تازه برای جستجوی مفهوم «سرمایه اجتماعی» به عنوان عامل پایداری و موفقیت جوامع شهری در اندیشه حاکم بر شهر اسلامی گشود.

اهداف و پرسش های پژوهش

بدون شک، احیای تمدن اسلامی و الگوی توسعه ایرانی_اسلامی نیاز به مبانی فکری و فلسفی و دانش بومی دارد. بر همین اساس، بازخوانی مفاهیم امروزی توسعه، که عمدتاً ریشه در مطالعات غربی دارند، در اندیشه حاکم بر شهر اسلامی ضروری می نماید.

هدف اصلی پژوهش جستجوی ریشه های مفهوم «سرمایه اجتماعی» به عنوان یکی از عوامل توسعه انسان محور در آراء و اندیشه های ملاصدراست. در این مقاله با خوانش مفاهیم حکمت صدرایی سعی می شود مفاهیم فلسفی در سطح نظری به مفاهیم کاربردی توسعه در سطح عملی نزدیک شود.

بنابراین در این نوشتار دو هدف پیگیری می شود؛ نخست شناخت آراء و اندیشه های ملاصدرا و کاربست اجتماعی آنها. و دوم ارائه تفسیری روشن از اندیشه های ملاصدرا در باب مؤلفه های سرمایه اجتماعی.

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

- سرمایه اجتماعی در چارچوب حکمت صدرایی چیست و با چه مؤلفه‌هایی شناخته می‌شود؟

- وجه تشابه یا افتراق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی با مؤلفه‌های این مفهوم در ادبیات نظری اندیشمندان غربی چیست؟

پیشینه پژوهش

درباره آثار اجتماعی اندیشه‌های ملاصدرا مطالب متعددی در مقالات و برخی کتب مطرح شده است. برای مثال، می‌توان به مطالعه محمد کاظم کریمی و کریم خان‌محمدی (۱۳۹۳) در مقاله «رویکردهای اجتماعی سیاسی در اندیشه ملاصدرا» اشاره کرد. در این مقاله اندیشه‌های اجتماعی ملاصدرا بررسی شده و به دنبال کشف پاسخ ملاصدرا برای پاسخگویی به نیازهای جامعه معاصر در حوزه جامعه، اقتصاد، حکومت و عدالت است.

حسن خیری (۱۳۹۷) در مقاله «اصالت فرد و جامعه و آثار اجتماعی آن بر مبنای حکمت صدرایی» با بررسی نظریه اصالت وجود و حرکت جوهری، اصالت جامعه را استنتاج می‌کند و بیان می‌دارد که هم فرد و هم جامعه دارای اصالت بوده و از آثار وجودی متمایزی برخوردار هستند. جامعه مصداق بارز وحدت در عین کثرت است و می‌تواند هویت‌ساز باشد. هم جامعه بر سیر تحول افراد اثر می‌گذارد و هم افراد در تکوین هویت جامعه مؤثر هستند.

محسن مهاجر (۱۳۷۸) در مقاله «اندیشه سیاسی ملاصدرا» و شریف لکزایی (۱۳۹۵) در کتاب *فلسفه سیاسی صدرالمتألهین آراء و اندیشه‌های ملاصدرا* در باب حکومت، قانون و سیاست بررسی کرده‌اند. نتیجه این مطالعات بیانگر توجه ملاصدرا به علم سیاست و تعریف جایگاهی مستقل برای آن در طبقه‌بندی علوم است. علاوه بر این، جنبه‌های دینی و انسانی سیاست مورد توجه قرار گرفته و از یکدیگر تفکیک شده است؛ بنابراین دستوره‌های الهی و از جمله فقه سیاسی ما را از علم سیاست بی‌نیاز نمی‌کند. اما سیاست‌گذاری باید در چارچوب دستوره‌های الهی صورت گیرد.

در مجموع، می‌توان گفت مطالعات متعددی با موضوع آثار اجتماعی و سیاسی اندیشه ملاصدرا صورت گرفته است. لیکن وجه تمایز این مقاله با پژوهش‌های صورت گرفته تمرکز بر استنتاج مفهوم سرمایه اجتماعی از اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی ملاصدرا به منظور تدوین مبانی توسعه در شهر اسلامی است.

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی: مفهوم سرمایه اجتماعی ابعاد مفهومی و ادبیات گسترده‌ای دارد. اصطلاح سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۱۶ در مقاله هانی فان^۱، در دانشگاه ویرجینیای غربی، مطرح شد و بعدها دوباره در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی جین جیکویز^۲ (۱۹۶۱) مطرح شد. هانی فان بیان می‌کند که میان سرمایه اجتماعی و رابطه اجتماعی پیوند درونی وجود دارد و سرمایه اجتماعی درون رابطه اجتماعی نهفته و پنهان است (حبیب، ۱۳۹۱). به منظور تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی صاحب‌نظران این حوزه از زوایای مختلف سیاسی، جامعه‌شناسی، مدیریتی و... اقدام به تعریف و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های این مفهوم کرده‌اند. در این میان، با توجه به هدف پژوهش مؤلفه‌های اجتماعی سرمایه اجتماعی در تعاریف صاحب‌نظران این حوزه دنبال می‌شود. بعد اجتماعی این مفهوم بیان می‌دارد که در واقع سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع محلی خود دست یابد.

بر مبنای نوع رابطه میان کنشگران سرمایه اجتماعی را می‌توان به دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی^۳ (میان اعضای یک گروه قومی) و سرمایه اجتماعی بین گروهی یا ارتباطی^۴ (روابط افقی بین افراد و گروه‌ها) تقسیم نمود (Coleman, 1988). علاوه بر تقسیم‌بندی فوق، سرمایه اجتماعی را برحسب مقیاس به دو بعد شناختی^۵ (با خصلت ذهنی مربوط به ارزش‌ها، باورها) و

1. Hanifan
2. Jacobs
3. Bonding Social Capital
4. Bridging Social Capital
5. Cognitive

ساختاری^۱ (ناظر بر ساخت و عملکرد نهادهای رسمی و غیررسمی) نیز طبقه‌بندی نموده‌اند. لاک لی^۲ (2005) در تعریف سرمایه اجتماعی بیان می‌کند بعد شناختی به روابط متقابل و اعتماد داشته و اعتماد نیز خود به دو نوع نهادی و اجتماعی تقسیم می‌شود. بعد ساختاری نیز الگوی کلی روابطی را که در سازمان‌ها یافت می‌شود در نظر دارد. بدین معناکه این بعد میزان ارتباطی که افراد با یکدیگر در سازمان جامعه برقرار می‌کنند را شامل می‌شود.

با توجه به گستردگی ادبیات نظری درخصوص سرمایه اجتماعی و به منظور رعایت ایجاز کلام برای ارائه تعریفی جامع، معتبرترین تعاریف از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه و شاخص‌های مورد توجه آنها مبتنی بر بعد اجتماعی این مفهوم در جدول شماره ۱ گردآوری شده است.

جدول شماره ۱ تعاریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات جهانی

نظریه پردازان	تعریف	حوزه	ابعاد	شاخص‌های اصلی
بورديو ^۳ (۱۹۸۵)	منابعی که در دسترسی به خدمات گروه را آسان می‌کند	جامعه شناسی	بعد ساختاری	مشارکت اجتماعی
کلمن ^۴ (۱۹۸۸)	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنشگران برای رسیدن به منافعشان از آنها به عنوان منبع استفاده می‌کنند	جامعه شناسی	بعد ارتباطی	اعتماد
			بعد ساختاری	حمایت اجتماعی
پوتنام ^۵ (۲۰۰۳)	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند	اقتصاد سیاسی	بعد ساختاری	مشارکت اجتماعی - نهادهای مدنی
فوکویاما ^۶ (۲۰۰۰)	اشتراک اعضای گروه در مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی‌ای که تعاون میانشان مجاز است	جامعه شناسی	بعد ساختاری	مشارکت اجتماعی
			بعد ارتباطی	اعتماد اجتماعی (هنجارها و ارزش‌های غیررسمی)

1. Structural
2. Lee, Laurence Lock
3. Bourdieu
4. Coleman
5. Putnam
6. Fukuyama

ادامه جدول شماره ۱ تعاریف و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات جهانی

نظریه پردازان	تعریف	حوزه	ابعاد	شاخص‌های اصلی
افه و فوش (۲۰۰۲) ^۱	یک منبع با مالکیت جمعی متعلق به محله، جوامع، مناطق و بخش‌ها	جامعه شناسی	بعد ارتباطی	اعتماد
			بعد ساختاری	انجمن‌پذیری
لاک لی	سرمایه اجتماعی به‌طور کلی، شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتار افراد و سازمان‌ها حاکم است.	مدیریت	بعد ساختاری	پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب شبکه و تناسب سازمانی

تعریفی که این پژوهش از سرمایه اجتماعی در نظر دارد و در ادامه براساس آن به تفسیر آرا و اندیشه‌های صدرای می‌پردازیم، برآیندی از تعاریف ارائه شده است که براساس آن «سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که به‌واسطه فرایندهای اجتماعی و روابط میان شبکه‌های اجتماعی (روابط اجتماعی غیررسمی) تولید و بازتولید می‌گردد. سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می‌یابد و زمانی به‌وجود می‌آید که عوامل محیطی یا اجتماعی روابط میان افراد را به شیوه‌ای دگرگون کنند که کنش‌های اجتماعی تسهیل شوند». بر مبنای این تعریف جمعیتی، سرمایه اجتماعی در دو بعد ساختاری و ارتباطی با شاخص‌هایی چون مشارکت اجتماعی^۲، اعتماد^۳، حمایت اجتماعی^۴، نهادهای مدنی^۵، انجمن‌پذیری^۶، پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب شبکه و تناسب سازمانی^۷ تعریف می‌شود.

روش تحقیق

پاسخ به سؤالات تحقیق با استفاده از روش هرمنوتیک انجام می‌شود. هرمنوتیک به معنای تأویل و تفسیر برای دستیابی به معنای نهفته در پس هرچیزی است. تفسیر به معنی ورود اندیشه

1. Offe and Fuchs
2. Social participation
3. Trust
4. Social protection
5. Civil society organizations
6. Associationability
7. Network connections, network form and composition, and organizational fit

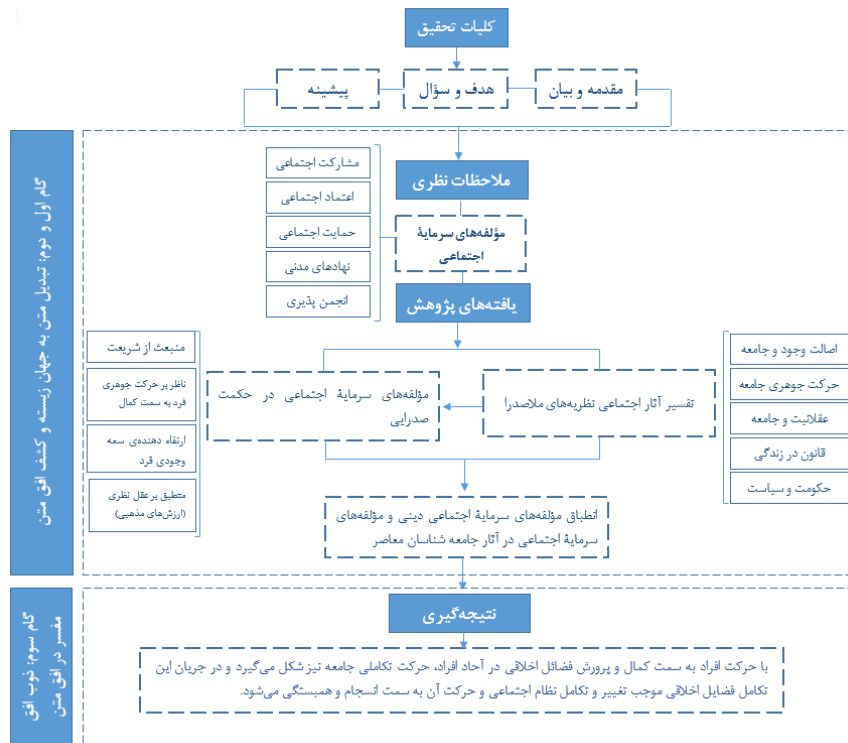
(اندیشه مأخوذ از زمان حال) محققى است که موضوع خاصى را مطالعه مى‌کند تا پس از تبیین، تحلیلی نظام‌مند را از آن ارائه دهد. هرمنوتیک سنتی با تأکیدی که بر مؤلف‌محوری و متن‌محوری دارد، برای تبیین و تفهیم معنایی متفاوت از متون تاریخی کاربرد دارد. مراحل کلی تحقیق با استفاده از روش هرمنوتیک سنتی را می‌توان در سه گام خلاصه کرد:

۱. تبدیل متن به جهان زیسته

۲. کشف افق متن

۳. ذوب افق مفسر در افق متن

در همین راستا، در این نوشتار تلاش می‌شود در گام نخست، با تفسیر آثار و اندیشه‌های مکتوب صدرالمتألهین ابتدا با تبدیل متن به جهان زیسته، آثار اجتماعی نظریه‌های ملاصدرا استخراج شود. در گام دوم، با کشف افق متن، تفسیر و متن در هم می‌آمیزند و تلاش می‌شود تا مفاهیم فلسفی در سطح نظری به مفاهیم اجتماعی نزدیک شود. در گام سوم، با ذوب افق مفسر در افق متن باید گفت سرمایه اجتماعی در نظر ملاصدرا محدود به فضایل اخلاقی در چارچوب قوانین الهی است که در روابط جمعی بروز می‌یابد و از این ره با مؤلفه‌های «سرمایه اجتماعی دینی» قرابت دارد. با تناظر مؤلفه‌های نظری سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های مستخرج از اندیشه‌های ملاصدرا، درمی‌یابیم که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دینی هرچند تکیه بر فضایل اخلاقی و فردی دارند، لیکن نتیجه‌ای که در روابط بین فردی برجای می‌گذارند متناظر با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در نظریه‌های غربی است.



تصویر شماره ۱ مراحل تحقیق

یافته‌های پژوهش

پژوهش با این سؤال آغاز شد: «سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی چیست و با چه مؤلفه‌هایی شناخته می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤال در بررسی مفاهیم تحقیق، مفهوم «سرمایه اجتماعی» و مؤلفه‌های آن از دیدگاه نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان غربی بررسی شد تا مفهوم در ادبیات معاصر غرب روشن شود. در ادامه با توجه به روش تحقیق، یعنی هرمنوتیک سنتی، با تأکیدی که بر مؤلف‌محوری و متن‌محوری دارد، پاسخ به سؤال در سه گام صورت می‌پذیرد: گام اول شامل تلخیص مفاهیم اجتماعی از حکمت صدرایی است تا مفاهیم فلسفی در سطح نظری به مفاهیم اجتماعی نزدیک شود. در گام دوم، تلاش شد تا از مفاهیم اجتماعی حکمت

صدرایی مفهوم سرمایه اجتماعی تفسیر شود و سپس در گام آخر، مؤلفه‌های این مفهوم در حکمت صدرایی ارائه شده است.

۱. مفاهیم اجتماعی حکمت صدرایی

آنچه در ادامه می‌آید بیانی مستقیم از فلسفه و اندیشه ملاصدرا نیست، بلکه تلاشی است برای معرفی کاربری مفاهیم در اندیشه ملاصدرا تا در ادامه زمینه‌ای برای خوانش سرمایه اجتماعی در آثار صدرا به دست دهد.

الف) نظریه اصالت وجود و جامعه

اصالت وجود، به عنوان نظریه بنیادی ملاصدرا (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ۱۳۷۶، ۱۳۵۴) وحدت و پیوندی در کل نظام اجتماعی ایجاد می‌کند و به منزله پیوندی است که همه اجزای جامعه را به یکدیگر متصل نشان می‌دهد. بر همین اساس، جامعه از نظر ملاصدرا جایی است که انسان‌ها در آن به کمال می‌رسند، بنابراین دارای هستی است و هستی دارای نظامی واحد اما سلسله‌مراتبی است که ضمن آنکه کثرت در آن پذیرفته شده است، اما وحدت بر تمام مراتب آن سیطره دارد. از این رو، باید گفت هم کثرت‌های عرضی و اختلاف آرا و سلیقه‌های مختلف و احزاب و گروه‌های اجتماعی را می‌پذیرد و هم با یک وحدت متعالی تشکیکی، آنها را در جهت هدف واحد قرار می‌دهد (کریمی، خان‌محمدی، ۱۳۹۳: ۹۱-۹۳). در نتیجه، جامعه مصداقی بارز از وحدت در کثرت است. هم مجموعه‌ای متکثر از افراد است و هم به عنوان کلیتی واحد دارای آثار وجودی است.

ب) کاربری نظریه عقلانیت در زندگی اجتماعی

ملاصدرا بنیادی‌ترین ویژگی انسان را در عقلانیت او می‌داند. عقل در نظر ملاصدرا عبارت است از قوه مدرکه نفسانی که در وجود انسان، سرچشمه تمام چیزی است که می‌تواند انسان را به حقیقت برساند. ملاصدرا در *الاستفار الاربعه* از تقسیم‌بندی دوگانه فلاسفه یونانی، ابن‌سینا و خواجه نصیر در باب عقل استفاده کرده و اصطلاح «عقل نظری» و «عقل عملی» به کار برده است.

ملاصدرا تقسیم عقل به نظری و عملی را به اعتبار تصرفات نفس در امور کلی و جزئی می‌دانسته و عقل عملی را مربوط به کیفیت عمل و عقل نظری را نامربوط به کیفیت عمل معرفی می‌کند (اکبریان، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷).

وی بعد نظری عقل را مهم‌ترین و با ارزش‌ترین استعداد در وجود انسان دانسته و معتقد است، انسان به کمک «عقل نظری» حقایق عقلانی را شهود کرده و جهان اخلاقی خود را می‌سازد. در نظر صدرا، اگر نظر نبود، عمل هم معنا نداشت؛ عمل باید پشتوانه نظری داشته باشد. از منظر صدرا، کار عقل عملی خدمت‌گذاری به عقل نظری است. از نظر صدرا، عقل نظری زیربنای ارزش و تحقق انسان کامل است و غایت اخلاق، که همانا خدایی شدن است، بر پایه عقل نظری است. ملاصدرا راه یافتن به حقیقت را با ابزار عقل امکان‌پذیر می‌داند و با تفکیک عقل عملی از عقل نظری، شناخت امور نظری و تحقیق در عالم تکوین را به عهده عقل نظری و سامان‌دهی امور مربوط به زندگی اجتماعی انسان را محصول عقل عملی می‌داند. با توجه به رابطه متقابل عقل نظری و عقل عملی، طبعاً عقل عملی در سایه تصویری که عقل نظری از عالم واقع و جهان عرضه می‌کند، به صورت آگاهانه، خلق امور و پدیده‌های اجتماعی را رقم می‌زند.

ج) کارکرد اجتماعی نظریه حرکت جوهری

ملاصدرا برخلاف قدما، که جوهر را امری ثابت می‌پنداشتند، معتقد است جهان ماده فاقد ثبات و آرامش است و هرچه در عالم شهرت دارد، در حال «حرکت جوهری» است، و این عین حرکت است. این نظریه در حالی مطرح گردید که قبل از ایشان، اعتقاد بر این بود که حرکت فقط در حالات و أعراض اشیا و موجودات اتفاق می‌افتد و حرکت در جوهر اشیا را موجب فساد آنها تلقی می‌کردند (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۱۲).

در فلسفه اسلامی، حرکت به دو قسم طبیعی یا قهری و قسری یا ارادی تقسیم می‌شود. حرکت طبیعی در عالم تکوین اتفاق می‌افتد و اقتضای طبیعت موجودات است، به طوری که اگر هیچ عاملی از خارج دخالت نکند، آن حرکت به مقتضای طبیعت صورت می‌گیرد؛ اما حرکت قسری حرکتی است که موجود خودبه‌خود و به موجب طبیعت ذاتی خود آن را انجام نمی‌دهد،

بلکه یک عامل خارجی در انجام آن دخالت دارد (همان: ۱۱۸). حکمت صدرایی در صدد پیوند حرکت جوهری غیر ارادی به حرکت ارادی است. و به همین خاطر، تأکید می‌کند که انسان نوع نیست، بلکه انواع است. ما انسان‌هایی داریم که به لحاظ نوع، به گریز نزدیک‌اند، همچنان‌که انسان‌هایی داریم که به لحاظ نوع، به فرشته‌ها نزدیک می‌شوند و اینها دارای درجات متفاوت‌اند. بدیهی است راز این مسئله در حرکت جوهری ارادی نهفته است؛ چون در حرکت جوهری ارادی انسان می‌تواند با سیر و سلوک و نیز تدبیری که در زندگی خود به کار می‌گیرد، جوهر خویش را تغییر دهد و خود را به مراتب بالای کمال برساند.

حرکت جوهری انسان را می‌توان به جامعه تعمیم داد، از آنجاکه جامعه محصول وجود تک‌تک افراد است، ابتدا حرکت جوهری در وجود انسان باید شکل بگیرد تا به سمت کمال راه یابد، و اگر جوهر انسانی به کمال و سعادت دست یافت، جامعه نیز به کمال خواهد رسید. بر همین اساس و با پذیرش حرکت جوهری ارادی تلاش برای تغییر شرایط اجتماعی و حرکت به سمت کمال امکان‌پذیر است. زیرا انسان کمال‌یافته می‌تواند با برنامه‌ریزی درست به تغییر محیط خود اقدام کند. در این راستا، جامعه زمانی راه کمال و سعادت را طی خواهد کرد که تک‌تک افراد آن به سوی سعادت و کمال حرکت کنند و طی مسیر کمال و سعادت، همان حرکت جوهری وجود انسان است.

د) نقش قانون در زندگی اجتماعی

زندگی اجتماعی بدون قانون ممکن نیست. انسان‌ها اگر در جایی جمع شوند و قانونی نباشد که هرکس را در جای خود قرار داده و حقوق و تکالیفشان را مشخص سازد، فساد و هرج‌ومرج و ناامنی بر آن حکمفرما خواهد شد: «پس اگر امر را در افراد مهمل واگذارده بود، بدون قانونی مضبوط در تخصیصات و تقسیمات، هر آینه در منازعه و مقاتله می‌افتادند و آن، ایشان را از سلوک طریق و سیر به حق باز می‌داشت و امر به فساد و افساد منجر می‌شد» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۷۲-۵۷۳). قانون مورد بحث ملاصدرا «قانون شرع» است که منشأ آن خداوند متعال است. خدا از طریق وحی این قوانین را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد و ناچار به انتخاب شارعی است که

براساس این قوانین معیشت مردم را منتظم کند و ایشان را به سمت کمال هدایت کند و این شارع کسی نیست جز نبی.

صدرالمتألهین برای بقا و دوام اجتماع، وجود قانونِ مورد توافق همگان را که به عدالت رفتار کند، ضروری می‌داند. بدیهی است چنین قانونی تنها شرع مقدس است؛ زیرا به مصالح اعضای جامعه و قوف دارد و هر آنچه برای سعادت و کمال آنها ضرورت دارد، پیش‌بینی کرده است.

ه) ضرورت ایجاد حکومت و سیاست‌گذاری

انسان‌ها به حکم ضرورت، از نظر خلقت و عادات و اخلاق مختلف‌اند، در نتیجه، این اختلافات همواره اجتماع و عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند و باعث هرج و مرج و اختلال در نظام جامعه می‌شود؛ از این‌رو، نخستین واکنش انسان در برابر اختلاف، از نظر ملاصدرا وضع قانون است؛ قانونی که حق هر صاحب‌حقی را به او اعطا کند و قانون‌شکنان را وادار سازد آن را بپذیرند. بدین‌گونه، فلسفه تشکیل حکومت نزد ملاصدرا اقامه عدالت است. وی بعثت انبیا را در جهت اقامه عدل تبیین می‌کند و وضع قوانین عادلانه از سوی آنان را سبب حفظ نظام جامعه می‌داند (شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۶۳). تأکید ملاصدرا بر الهی بودن قانون و انتخاب نبی و امام به‌عنوان مجری قانون اشاره به اهمیت عدالت اجتماعی در تفکر ملاصدرا دارد. زیرا فقط این قانون الهی است که حق و تکلیف هریک از اعضای جامعه را مشخص کرده و به بهره‌مندی همه اعضا از حقوق حقیقتان و اهتمام در حفظ و مراقبت از آن می‌پردازد.

از طرف دیگر، انسان طبعاً گرایش به اجتماع و سیاست دارد و در سرشت و خمیرمایه وجودش میل به زندگی اجتماعی نهفته است. از نظر صدرالدین شیرازی، سیاست عبارت است از حرکت از نفس جزئی که براساس حسن اختیار و انتخاب فرد انسانی است برای اینکه آنها را بر محور نظام‌مندی گرد آورد و جماعتشان را اصلاح گرداند. او سیاست را به دو قسم سیاست انسانی و سیاست الهی تقسیم می‌کند و سیاست الهی را به مجموعه تدابیری که از طرف شارع مقدس برای اصلاح حیات اجتماعی انسان در نظر گرفته شده است، اطلاق می‌کند «لابد من شارع یعین لهم منهجاً لسیکونه لانتظام معیشتهم فی الدنیا» و انبیا و امامان شیعی را متولیان حقیقی این سیاست می‌داند. (شیرازی، ۱۳۶۲).

مفهوم سیاست انسانی نیز همان تدابیر انتخابی انسان‌ها برای اصلاح جامعه می‌باشد که تعریف آن گذشت. او تأکید زیاد دارد که سیاست انسانی نباید از سیاست الهی و از شریعت منفک شود. ملاصدرا در ذیل سیاست انسانی می‌فرماید: «السیاسة المجرده عن الشرع کجسد لا روح فیه: سیاست بدون شریعت همانند جسدی است که در آن روح وجود ندارد» (شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۷۳).

بنابراین، سیاست مطلوب در نظر ملاصدرا به معنای هدایت، تدبیر و اصلاح جامعه انسانی در چارچوب قوانین منبعث از شریعت است تا در مسیر تکاملی خود دچار هرج و مرج نگردد و به تبع آن سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف نیز باید در چارچوب قوانین الهی باشد.

۲. سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی

بر مبنای حکمت صدرایی، آنچه اصالت دارد «وجود» است و ماهیت فرد و ماهیت جامعه هیچ‌کدام اصالت ندارند و نظر به برخورداری از حصه‌ای از وجود هم فرد در محدوده وجودی خویش دارای آثار حقیقی است و هم جامعه، که از برآیند آثار وجودی آحاد اعضای جامعه تحقق می‌یابد، دارای آثار حقیقی است. پس با فرض قبول اصالت جامعه، آثار وجودی آن نیز قابل پذیرش است. هر جامعه بر حسب سعه وجودی اعضایش دارای ویژگی‌ها و آثار متمایزی می‌شود که هم برآیند آثار وجودی تک‌تک آنهاست و هم چیزی بیشتر که حاصل برهم‌کنش آنهاست. در واقع، آنچه آثار وجودی جامعه را می‌سازد از رابطه بین اعضای جامعه حاصل می‌شود. علاوه بر این، تمام اعضای جامعه دارای آثار وجودی یکسان نیستند؛ نظام اجتماعی می‌تواند از برکت وجودی یک نفر برخوردار گردد؛ به نحوی که این اثر از سوی هزاران نفر برای جامعه به دست نمی‌آید و او این سعه وجودی را از تعامل خود با خداوند یا ارتباط آگاهانه با عالم کسب کرده باشد. از این منظر، جامعه، امت و تمدن از گذشته دور تا امروز، یک موجود است ولی موجودی است که کم و بیش هر یک از آحاد جامعه در تحقق آن سهیم بوده‌اند. پس وجود یا عدم وجود سرمایه اجتماعی در جامعه را می‌توان از آثار وجودی جامعه دانست که در تحقق آن افراد جامعه با سطح تأثیرگذاری متفاوت مشارکت دارند.

با تکیه بر نظر ملاصدرا در باب حرکت جوهری ارادی می‌توان گفت، هویت و شخصیت انسانی، یک هویت الزاماً منفعل نسبت به تاریخ و فرهنگ خود نیست و انسان‌ها برای ایجاد تغییر در نفس خود، علاوه بر سعه وجودی خود از عوامل اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر این، انسان همواره می‌تواند در قبال ساختار و نظام اجتماعی خود موضعی فعال و تأثیرگذار داشته باشد و همین توان تأثیرگذاری بر تغییر مناسبات اجتماعی است که به فرد امکان ساختن زندگی مطلوب و جامعه آرمانی را می‌دهد. پس با حرکت افراد به سمت کمال و پرورش فضائل اخلاقی در آحاد افراد، حرکت تکاملی جامعه نیز شکل می‌گیرد. و در جریان این تکامل مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و... به عنوان فضیلت‌های اجتماعی تکامل می‌یابند.

در حکمت صدرایی، عقل نظری جهان اخلاقی را می‌سازد و عقل عملی معطوف به ساماندهی زندگی اجتماعی انسان‌هاست. انسان‌ها برای سامان دادن زندگی اجتماعی خود مبتنی بر نظام ارزشی و اخلاقی خود به سوی تشکیل جوامع و ابداع قوانین و مقررات به عنوان عناصر اجتماعی شدن روی می‌آورند. در نتیجه، قوانین اجتماعی باید بر مبنای همین نظام اخلاقی، جامعه را به سوی کمال، که همان هم‌پیوندی و انسجام اجتماعی است، سوق دهد. و از آنجاکه در تفکر صدرا، تنها نظام اخلاقی مورد قبول آموزه‌های اخلاقی دینی است، پس حکمت عملی مدینه نظر صدرا مجموعه‌ای از قوانین اجتماعی است که در چارچوب شرع مقدس اسلام تعریف شده و رعایت این قوانین در بعد فردی، آثار اجتماعی قابل توجهی داشته و جامعه را به سمت کمال هدایت می‌کند.

موضوع دیگر در تفکر صدرا، که بر تعریف جایگاه سرمایه اجتماعی در این اندیشه مؤثر است، نگاه او به قانون و سیاست است. در جامعه آرمانی، باید علاوه بر قانون الهی، حاکم نیز منصوب از طرف خداوند باشد و مردم نیز از قانون تبعیت کنند. صدرا سیاست انسانی را تدابیر انتخابی انسان‌ها برای اصلاح جامعه می‌داند و عقیده دارد که سیاست انسانی نباید از سیاست الهی و از شریعت منفک شود. در واقع، ملاصدرا سیاست را ابزار دین می‌داند در نتیجه، هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه اجتماعی باید منبعث از شریعت باشد. در واقع، قوانین و ارزش‌های الهی عامل تنظیم روابط بین فردی در سطح جامعه تعریف می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه اجتماعی در تفکر صدرا، بیشتر از آنکه حاصل کنش جمعی میان افراد جامعه باشد، نمود بیرونی آثار وجودی تک تک افراد جامعه است. طبعاً او اصلاح جامعه را از مسیر اصلاح افراد جستجو می‌کند و نفس انسانی را دارای قوه و استعدادی می‌داند که از طریق حرکت در مراحل خاص، زمینه رشد و اعتلایش فراهم می‌گردد و جامعه از آثار وجودی آن متأثر شده و به سوی کمال حرکت می‌کند. از آنجاکه بخشی از حقیقت یابی و وجودیابی نظام اجتماعی محصول رفتار تک تک افراد است. بنابراین، گرچه نظام اجتماعی آرمانی در زمان امام زمان (عج) رخ می‌دهد و جامعه باید خود را برای آن نظام اجتماعی مطلوب آماده سازد، ولی رسیدن به آن نظام محصول رفتار افراد است. پس آحاد افراد جامعه باید با درک شرایط و موقعیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی در جهت تکامل اجتماعی گام بردارند.

در نتیجه، سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی را می‌توان در مؤلفه‌هایی جستجو کرد که اولاً مؤثر بر حرکت جوهری افراد به سمت کمال است و ثانیاً منبعث از شریعت است. براساس مفاهیم ذکر شده سرمایه اجتماعی در آرا و اندیشه‌های ملاصدرا با مفهوم «سرمایه اجتماعی دینی» قرابت دارد. ایده‌آل‌های مذهبی منابع قدرتمندی از تعهد و انگیزه هستند. مذهب با تشویق اعضایش به عبادت و یادگرفتن درس‌های اخلاقی، اثر سودمندی بر جامعه مدنی دارد. سازمان‌های مبتنی بر اعتقادات مذهبی به زندگی مدنی چه به‌طور مستقیم، با حمایت اجتماعی از اعضا و خدمات اجتماعی به جامعه وسیع‌تر و چه به‌طور غیرمستقیم، با پرورش مهارت‌های مدنی، تلقین ارزش‌های اخلاقی، تشویق دگرخواهی و نوع‌دوستی، خدمت می‌کند (امیری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

از آنجاکه در تفکر صدرا، تکامل جامعه در گرو تکامل فرد است و سعادت و کمال افراد نیز در گرو عمل زیر چتر شریعت، پس می‌توان آموزه‌های اخلاقی دین اسلام را مؤلفه‌های تکوین سرمایه اجتماعی در چارچوب این تفکر دانست.

دین می‌تواند در انسجام‌بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌های اجتماعی، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و احترام و گسترش و تقویت مشارکت فعالانه نقش مؤثری ایفا کند و انسجام و هم‌پیوندی اجتماعی را سبب شود.

۳. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی

وجه اصلی و جوهره سرمایه اجتماعی دینی را «اخلاق» تشکیل می‌دهد، دین نیز توانمندترین عامل مولد اخلاق است. آنچه در آموزه‌های اخلاقی دین اسلام مطرح می‌باشد، آن است که انسان خود را به فضایل و نیکی‌های اخلاقی بیاراید و رذایل و پلیدی‌های اخلاقی را از خود دور سازد. بنابراین شناخت و عمل به فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد (علینی، غفاری و زهیری، ۱۳۹۲). در واقع، عنایت و توجه خاص دین اسلام به دستورهای اخلاقی به‌عنوان برنامه زندگی موجب تحکیم و پیوند اعضای جامعه اسلامی و مؤمنان می‌شود، و به‌این ترتیب، مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در روابط و پیوندهای بین فردی را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دینی معرفی کرد.

احسان (نیکوکاری)

از آنجاکه در آموزه‌های دین اسلام به نیکی کردن و سودرسانی به عموم انسان‌ها توصیه می‌کند و روابط بین فردی را به‌گونه‌ای دگرگون می‌سازد که به استحکام هرچه بیشتر روابط و پیوندهای اجتماعی منجر می‌شود، می‌توان گفت که احسان و نیکوکاری موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی خواهد شد (نساء، ۹۸).

احترام

گرامی داشتن و حرمت نگه داشتن یکی از اصول مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است، که به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت روابط افراد و ایجاد پیوندهای اجتماعی و تشکیل شبکه‌های منسجم اجتماعی منجر می‌شود (اسراء، ۱۴).

تعاون و همیاری

تعاون و همیاری به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی در رفع مشکلات گوناگون و برآوردن نیازمندی‌ها در جامعه اسلامی کاربرد دارد. یاری و کمک مسلمانان به یکدیگر برای تأمین نیازها و

حل مشکلات موجود در جامعه، موجب شکل‌گیری روابط صمیمی و پایدار و ایجاد پیوندهای اجتماعی مستحکم می‌گردد که به تقویت سرمایه منجر می‌شود (مائده، ۲).

حُسن خلق

خوش‌اخلاقی و برخورد نیکو در معاشرت با دیگران از اصول اخلاقی اسلام است که در روابط بین فردی نمود پیدا می‌کند. خوش‌اخلاقی و برخورد نیکو با دیگران موجب رفع کینه و کدورت و در نتیجه نزدیکی افراد به یکدیگر و تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد (فصلت، ۳۴).

حُسن معاشرت

نتیجه حسن معاشرت و رعایت احترام معاشرین، حصول مودت و رفع کینه‌ها و دشمنی‌هاست. معاشرت نیکو و پسندیده با دیگران، که از دستورهای دین اسلام است، نه تنها منجر به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود بلکه موجب همزیستی مسالمت‌آمیز آحاد مردم خواهد گردید (بقره، ۸۳).

صلح و اصلاح

اسلام در تعالیم اجتماعی خویش به صلح و صلاح و اصلاح، به‌ویژه در میان برادران دینی، با تعبیر «اصلاح ذات بین» تأکید کرده است. پایبندی به اصول صلح و صلاح و اصلاح به تقویت سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد (انفعل، ۸۱).

وحدت و همبستگی

دین مبین اسلام به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت اتحاد در میان گروه‌های خرد و کلان اجتماعی تأکید کرده است. وحدت و همبستگی میان مسلمانان در وهله نخست، به پیدایی و تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی منجر می‌گردد که در مرحله بعد، با اتحاد مسلمانان با پیروان دیگر ادیان الهی براساس توحید به تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی منجر می‌گردد (انفال، ۴۶).

حسن ظن

حسن ظن و خوش گمانی یکی از صفات شایسته اخلاقی است که در آموزه‌های دین اسلام به آن تأکید شده است. خوش گمانی امری درونی و قلبی است که آثار بیرونی آن در رفتار با مردم مشخص می‌گردد و موجب ایجاد روابط صمیمی بین افراد خواهد شد (حجرات، ۱۲).

عفو (بخشش)

عفو و بخشش شرایطی برای ایجاد دوستی‌ها و پیوندهای محکم است و منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت آن به‌ویژه نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی خواهد شد. از طرف دیگر، گذشت و مدارای آگاهانه در برابر دیگران حتی مخالفان و اقلیت‌های دینی، که از توصیه‌ها و تعالیم دین است، به ایجاد سرمایه اجتماعی برون گروهی منتهی می‌شود (شوری، ۴۰).

عزت

عزت فضیلتی اخلاقی است که موجب استحکام روابط بین فردی و تنظیم روابط بر مبنای آموزه‌های دینی می‌شود. همچنین رفتارهای عزت‌منشانه مؤمن در جامعه اسلامی و پیوندهای وی در شبکه‌های اجتماعی موجب می‌گردد سرمایه اجتماعی درون گروهی در روابط و پیوندهای خرد و کلان در سطح جامعه ایمانی شکل بگیرد (انفال، ۴۹).

محبت و دوستی

تعامل و هم‌پیوندی اجتماعی، که در سایه اخوت شکل می‌گیرد، موجب می‌گردد نه تنها جامعه‌ای منسجم شکل بگیرد، بلکه افراد جامعه به‌صورت پیکر واحدی در آیند که با اتحاد و همدلی، یار و یاور یکدیگر می‌باشند؛ بنابراین محبت و دوستی حاکم در جامعه اسلامی در سطح خرد و کلان موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت آن خواهد گردید (توبه، ۷۱).

برای پاسخ به پرسش دوم تحقیق یعنی «وجه تشابه یا افتراق مولفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی با مؤلفه‌های این مفهوم در ادبیات کلاسیک غرب چیست؟» با توجه به مفاهیم

و تعاریف ارائه شده در بخش‌های پیشین، باید گفت مفهوم سرمایه اجتماعی به معنای آنچه که در ادبیات کلاسیک غرب به عنوان عاملی برای هم‌پیوندی اجتماعی خوانده می‌شود، با شکل و تأکیدی متفاوت اما با نتیجه و محتوایی یکسان را می‌توان در حکمت صدرای، که منبعث از شریعت اسلام است، یافت. همان‌طور که گفته شد، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دینی مبتنی آموزه‌های اخلاق فردی است، در صورتی که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات معاصر بر روابط بین فردی تأکید دارد، در واقع، در این تعریف سرمایه اجتماعی محصول رفتار و کنش جمعی است و تولید و بازتولید آن از طریق تغییر و تنظیم روابط بین فردی حاصل می‌شود. در حالی که در سرمایه اجتماعی دینی هم‌پیوندی اجتماعی و سرمایه اجتماعی از طریق اصلاح اخلاق فردی جست‌وجو می‌شود. تأکید بر فضائلی چون احسان، احترام، حسن معاشرت و... اگرچه ظاهراً مبتنی بر ویژگی‌های فردی آحاد جامعه است، اما همان‌طور که ملاصدرا، در نظریه حرکت جوهری، بر آن تأکید می‌کند، انسان همواره می‌تواند در قبال ساختار و نظام اجتماعی موضعی فعال و تأثیرگذار داشته باشد و همین توان تأثیرگذاری بر تغییر مناسبات اجتماعی است که به فرد امکان ساختن زندگی مطلوب و جامعه آرمانی را می‌دهد. پس با حرکت افراد به سمت کمال و پرورش فضائل اخلاقی در آحاد افراد، حرکت تکاملی جامعه نیز شکل می‌گیرد. در جریان این تکامل، فضایل اخلاقی چون احسان، احترام و... به فضیلت‌های اجتماعی چون حمایت، مشارکت، انجمن‌پذیری و... می‌انجامد.

در ادامه، به منظور روشن شدن این بحث مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی (آموزه‌های اخلاقی) و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات کلاسیک غرب (به عنوان آثار اجتماعی فضیلت‌های اخلاقی) تطابق داده شده و نتیجه آن در جدول شماره ۲ ارائه می‌شود.

جدول شماره ۲ انطباق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی (سرمایه اجتماعی دینی) و مؤلفه‌های این مفهوم در ادبیات کلاسیک غرب

مؤلفه‌های دینی سرمایه اجتماعی	منبع	مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در متون نظری	منبع
آموزه‌های اخلاقی دین اسلام	احسان (نیکوکاری)	حمایت و مشارکت اجتماعی	نساء: ۹۸- نهج الفصاحه، جلد ۱، ص ۲۶۵، ش ۱۹۶۰- غررالحکم و دررالکلم، جلد ۱، ص ۲۶۵، ش ۱۸۷۵
	احترام	انجمن‌پذیری و حمایت اجتماعی	اسراء: ۱۴- نهج الفصاحه، ص ۲۲، ش ۱۳۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۶۰
	تعاون و امداد	مشارکت اجتماعی، نهادهای مدنی و انجمن‌پذیری	مائده: ۲- نهج الفصاحه، ص ۹۱، ش ۵۶۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۷۵، ش ۹۶۴
	حسن خلق	انجمن‌پذیری	فضلت: ۳۴- نهج الفصاحه، ص ۲۱۰، ش ۱۳۷۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۵۹، ش ۹۲۸
	حسن معاشرت	مشارکت اجتماعی	انعام: ۱۰۸- قصص: ۵۵- بقره: ۸۳- نهج الفصاحه ص ۲۸۴، ش ۲۵۸۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۶۲۷، ش ۴۹۷۱
	صلح و اصلاح	مشارکت اجتماعی	انفال: ۸۱- نهج الفصاحه، ص ۲۲، ش ۴۹- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۴۰، ش ۴۰۸
	وحدت	مشارکت اجتماعی، انجمن-پذیری، نهادهای مدنی و حمایت اجتماعی	انفال: ۴۶- نهج الفصاحه، ص ۲۰۴، ش ۱۲۲۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۶۲، ش ۳۵۴۴
	حسن ظن	اعتماد اجتماعی	حجرات: ۱۲- نهج الفصاحه، ص ۲۱۱، ش ۱۳۷۹- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۹۰، ش ۶۶
	عفو و بخشش	حمایت اجتماعی	شوری: ۴۰- نهج الفصاحه، ص ۱۷۲، ش ۱۱۵۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۳۱، ش ۱۵۲۵
	عزت	اعتماد، مشارکت و حمایت اجتماعی	انفال: ۴۹- نهج الفصاحه، ص ۶۷، ش ۳۶۶- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۱۸، ش ۶۳۹۷
	محبت و دوستی	اعتماد و حمایت اجتماعی	توبه: ۷۱- نهج الفصاحه، ص ۲۴۹، ش ۱۶۳۶

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدای مقاله بیان شد، هدف اصلی پژوهش جستجوی ریشه‌های مفهوم «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان یکی از عوامل توسعه انسان‌محور در آراء و اندیشه‌های ملاصدرا به‌عنوان فلسفه غالب در شهر اسلامی از سده یازدهم تا به امروز است. برای پاسخ به این هدف با استفاده از روش هرمونیتیک سنتی متن آثار ملاصدرا مورد خوانش قرار گرفت تا با استخراج مفاهیم اجتماعی از نظریه‌های وی، مفاهیم فلسفی در سطح نظری، به مفاهیم کاربردی توسعه در

سطح عملی نزدیک شده و امکان خوانش مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه انسان‌محور در جامعه معاصر، فراهم شود.

در حکمت صدرایی، برخورداری وجودی انسان از استعداد‌های عقلی و عاطفی و تلاش او برای به فعلیت درآوردن این استعدادها، در زیست اجتماعی انسان حقیقتی را تولید می‌کند که می‌توان از آن با عنوان نظام اجتماعی نام برد. از آنجاکه بخشی از بروز و ظهور نظام اجتماعی محصول رفتار تک‌تک افراد است، تعهدات اجتماعی افراد معنادار می‌گردد. پس آحاد افراد جامعه باید با درک شرایط و موقعیت‌ها و فرصت‌های اجتماعی در جهت تکامل اجتماعی گام بردارند و جامعه را در سیر حرکت به سمت کمال یاری رسانند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در راستای حرکت جوهری جامعه و نیل به جامعه آرمانی تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی مجموعه ارزش‌هایی است که به‌واسطه فرایندهای اجتماعی و روابط میان شبکه‌های اجتماعی تولید و بازتولید می‌گردد؛ یافته‌های پژوهش بیانگر این مهم است که سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک فضیلت اجتماعی در آرا و اندیشه‌های ملاصدرا نتیجه فضیلت‌های اخلاقی افراد جامعه است که بر روابط میان فردی و کنش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. درواقع، خوانش سرمایه اجتماعی در اندیشه صدرای بر مبنای نوع رابطه میان کنشگران، بیانگر «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی» و براساس مقیاس به واسطه تأکید بر خصلت‌های ذهنی، ارزش‌ها و باورها به‌عنوان «سرمایه اجتماعی شناختی» تعریف می‌شود. نتیجه دیگری که از این بررسی حاصل شد، قرابت مفهوم سرمایه اجتماعی در اندیشه صدرای با مفهوم «سرمایه اجتماعی دینی» است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در حکمت صدرایی مبتنی بر آموزه‌های اخلاق فردی است اما نکته درخور توجه این است که تجلی ارزش‌های اخلاقی چون احسان، احترام، کرامت و... در افراد ازسویی، باعث به فعلیت درآمدن استعداد‌های انسانی می‌گردد و ازسوی دیگر، این تحولات انسانی به‌واسطه تأثیر بر روابط بین فردی منتج به تحول جامعه می‌گردد.

با وجود شباهت‌های مفهومی، مهم‌ترین وجه تمایز و افتراق مفهوم سرمایه اجتماعی در این دو زمینه نظری را می‌توان از یک‌سو، تأکید بر فرد و ویژگی‌های فردی و ازسوی دیگر، ضرورت

حرکت فرد به سمت کمال برای رسیدن جامعه به سعادت و کمال در حکمت صدرایی دانست. در صورتی که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ادبیات غرب بر تنظیم روابط بین فردی در سطح جامعه تأکید دارد، در واقع، در این تعریف سرمایه اجتماعی محصول رفتار و کنش جمعی است و تولید و بازتولید آن از طریق تغییر و تنظیم روابط بین فردی حاصل می‌شود. در حالی که در سرمایه اجتماعی در تفکر صدرا، این مفهوم از طریق اصلاح اخلاق فردی حاصل می‌شود. در واقع، سرمایه اجتماعی در اندیشه‌های غربی، در یک رابطه دو سویه میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد، در صورتی که در تفکر صدرا، تکامل فرد مقدمه‌ای برای سیر تکاملی جامعه است. تأکید بر فضائل اخلاقی اگرچه ظاهراً مبتنی بر ویژگی‌های فردی آحاد جامعه است، اما همان‌طور که از اندیشه ملاصدرا برمی‌آید، انسان همواره می‌تواند در قبال ساختار و نظام اجتماعی خود موضعی فعال و تأثیرگذار داشته باشد و همین توان تأثیرگذاری بر تغییر مناسبات اجتماعی است که به فرد امکان ساختن زندگی مطلوب و جامعه آرمانی را می‌دهد.

منابع

- ارسطو (۱۳۴۹)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۰)، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- اکبریان، رضا (۱۳۸۹)، «نسبت میان نظر و عمل از دیدگاه ملاصدرا»، خردنامه، ۶۲: ۱۴-۳۷.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حبیب، فرح (۱۳۹۱)، «سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تأکید بر نقش فضاهای عمومی»، هویت شهری، ۱۲: ۵-۱۴.
- حجازی، فخرالدین (۱۳۵۰)، نقش پیامبران در تمدن اسلامی، تهران: بعثت.
- حسنزاده آملی، حسن (۱۳۷۲)، هزار و یک کلمه ج ۵، قم: بوستان کتاب.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۶۲)، المبدأ و المعاد، ترجمه عبدالله نورانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- شیرازی، صدرالدین (۱۴۰۳)، *تفسیر قرآن کریم ج ۷*، تدوین محمد خواجه‌وی، قم: بیدار.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۷۶)، *شرح اصول کافی ج ۲*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شیرازی، محمد ابن ابراهیم (۱۳۶۲)، *التصور والتصدیق*، ترجمه مهدی حائری یزدی، قم: بیدار.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تدوین سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۵۴)، *المبادئ و المعاد*، تدوین سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۶۶)، *ترجمه و تفسیر الشواهد الربوبیه*، ترجمه جواد مصلح، تهران: انتشارات روش.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۷۶)، *رساله سه اصل*، تدوین محمد خواجه‌وی، تهران: انتشارات مولوی.
- شیرازی، صدرالدین (۱۳۶۲)، *رسائل فلسفی_ المسائل القدسیه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۶)، *شیعه در اسلام*، ترجمه هادی خسروشاهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- علینی، محمد؛ غفاری، غلامرضا؛ زهیری، علیرضا (۱۳۹۲)، «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی*، شماره ۶۷: ۱۶۶-۱۳۳.
- کربن، هانری (۱۳۷۲)، *صدرالدین شیرازی*، ترجمه ذبیح ... منصوری، تهران: انتشارات جاویدان.
- کریمی، محمد کاظم؛ خان‌محمدی، کریم (۱۳۹۳)، «رویکردهای سیاسی اجتماعی در فلسفه ملاصدرا»، *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست متعالیه*، شماره ۵: ۸۳-۱۰۲.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کیخا، نجمه (۱۳۹۲)، «مناسبات اخلاق و سیاست در حکمت متعالیه براساس عالم مثال»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، شماره ۲: ۸۹-۹۰.
- لکزایی، شریف (۱۳۹۲)، «فرد و جامعه در حکمت سیاسی متعالیه»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، شماره ۳: ۲۵-۴۲.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۷)، *وجوه سیاسی حکمت متعالیه*، سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، تدوین شریف لکزایی، دفتر اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- لکزایی، نجف (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی صدرالمتهلین*، قم: نشر بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، *سیری در نهج البلاغه* ج ۱۶، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *مجموعه مقالات فلسفی* ج ۳، تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *تقدی بر مارکسیسم*، تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۶۰)، *اسرارالایات و انوارالبینات*، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- ملاصدرا (۱۳۶۳)، *مفاتیح الغیب*، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- Bourdieu, P. (1985), "The social space and the genesis of groups", *Theory and society*, V 14(6): 723-744.
- Coleman, J. S. (1988), "Social capital in the creation of human capital", *American journal of sociology*, N 94, S95-S120.
- Fukuyama, M. F. (2000), *Social capital and civil society*, International Monetary Fund.
- Greenwald, D. E. (1973), "Durkheim on society, thought and ritual", *SA. Sociological Analysis*, 157-168.
- Lee, L. L. (2005), "Social capital: The driver for corporate success in the knowledge era", In *Knowledge Management* (pp. 129-143), Physica-Verlag HD.
- Offe, Claus; Fuchs, Susanne (2002), "a decline of Social Capital? The German Case", in Putnam, Robert D, (ed), *Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, New York: Oxford University Press.
- Putnam, R. (1993), "The prosperous community: Social capital and public life", *The american prospect*, 13(4), Available online: <http://www.prospect.org/print/vol/13> (accessed 7 April 2019).